

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دبیر کل حزب وحدت مسلمین پاکستان درباره نتایج انتخابات پارلمانی اخیر

نه بزرگ پاکستانی‌ها به آمریکا و سعودی

■ مجتبی مومنی



عمران خان، پیروز انتخابات اخیر پارلمانی در پاکستان در حالی به عنوان نخست‌وزیر سوگند یاد کرد که همچنان انتشار تحلیل‌ها و تفسیرها درباره آرایش دولت جدید در فضای رسانه‌ای و مطبوعاتی جهان ادامه دارد. آخرین برآوردها حکایت از این دارد که عمران‌خان و تحریک انصاف با ۱۸۱ کرسی می‌توانند به راحتی دولت را تشکیل دهند اما بحث بر سر این است که دخالت قدرت‌های خارجی و برخی عوامل داخلی آنها چگونه در طول ۴۰ سال گذشته علیه منافع عمومی مردم پاکستان نقش آفرینی کرده است. از این‌رو برای روشن شدن بیم و امیدهای دولت آینده پاکستان و محورهای سیاست خارجی جنبش انصاف به‌علاوه رویکرد آن در قبال افراط‌گرایان، به گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر عباس جعفری، دبیرکل حزب سیاسی- مذهبی مجلس وحدت مسلمین پاکستان نشستیم.

■ **برخی تحلیلگران و چهره‌های سیاسی معتقدند پیروزی جنبش انصاف در انتخابات نوعی سنت‌شکنی در پاکستان به شمار می‌رود؛ تحلیل شما از این پیروزی چیست؟**

زمانی که ژنرال ضیاءالحق در سال ۱۹۷۷ توانست قدرت را با استفاده از کودتا در دست بگیرد پاکستان دستخوش تحولات مختلفی شد. حضور شوروی در افغانستان و اشغال این کشور توسط روس‌ها باعث شد یک تفکر جهادی افراطی در منطقه و بویژه پاکستان شکل بگیرد که آمریکا و عربستان به همراه دولت ضیاءالحق حامیان اصلی تشکیل این تفکر و تربیت نیروهای آن بودند. افراد تربیت یافته از این تفکر اقدام به شروع حرکت خود برای به اصطلاح جهاد کردند که البته به این امر واقف نبودند که زیر پرچم استکبار جهانی و در راس آن آمریکا، جهاد معنایی ندارد. حضور این افراد با تفکرات افراطی خطرناک در پاکستان موازنه قدرت مدنی در جامعه پاکستان را به هم ریخت، به شکلی که اگر تا پیش از این اهل تسنن و شیعه بدون اصطکاک و در کنار هم در صحنه قدرت و سیاست و اجتماع حضور داشتند، حال با حضور تفکر افراطی و خشن در هرم قدرت موازنه مدنی، ساختار قدرت در پاکستان بشدت تغییر کرد.

این تغییرات برای تداوم، نیاز به بسترسازی اجتماعی داشت و در این زمان شاهد گسترش وسیع تفکرات افراطی توسط برخی مدارس بنیادگرا در پاکستان بودیم. به نحوی که در زمان کوتاهی تعداد مدارس با تفکرات افراطی از ۲۵۰ مدرسه به ۴ هزار مدرسه و تعداد طلاب آن از چند هزار نفر به چند میلیون نفر افزایش پیدا کرد. این ایام مقارن شد با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قرار گرفتن شیعیان در صف نخست مقابله با استکبار جهانی و آمریکا.

با توجه به این شرایط، بلوک آمریکا، عربستان و دولت وقت پاکستان به نام مقابله با شوروی و به کام تفکرات افراطی شروع به کشتار مردم از جمله در پاکستان کردند و این روند تا ۴۰ سال ادامه یافت. ۴۰ سال پاکستان میزبان تکفیری‌های جهان بود و گروه‌های سیاسی که وجود این تفکر را همسو با منافع خود می‌دیدند نیز بدون تصادم با آنها، حتی در اکثر اوقات به حمایت از آنها پرداختند. به نحوی که سیاست خارجی و داخلی اسلام‌آباد در این سال‌ها بیش از آنکه تأمین‌کننده منافع ملت پاکستان باشد بر اساس خواسته‌های آمریکا و عربستان سعودی طرح‌ریزی می‌شد. گروه‌های افراطی پاکستانی نیز به عنوان بازیگران داخلی عربستان و آمریکا جهت تضمین تأمین منافع این دو کشور همیشه حضوری پریهاوداشتند.

اما اکنون، پیروزی عمران‌خان و

جنبش انصاف در واقع نه شکست مسلم لیگ، حزب مردم و، بلکه تصادم این تفکر و سیاست ناپاک ۴۰ ساله است. این پدیده در واقع «نه» بزرگ ملت پاکستان به حضور منفی ۴۰ساله آمریکا و عربستان در متن سیاست داخلی و خارجی پاکستان است. از همین رو است که می‌بینیم شخصیت‌هایی که از آنها به عنوان سیاسی و مذهبی یاد می‌شود و غالباً از حمایت عربستان سعودی و ایالات متحده نیز برخوردارند، همگی با هم علیه عمران‌خان وارد یک ائتلاف شده‌اند. برخی از این رقبای سنتی همیشگی حتی برای یکدیگر احترام تشریفاتی نیز قائل نیستند اما اکنون اقدام به تشکیل یک اپوزیسیون مشترک علیه عمران‌خان و جنبش انصاف کرده‌اند. زمانی که به نواز شریف یا آصف علی زرداری به عنوان رهبران احزاب مسلم لیگ و مردم نگاه می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم آنها منافع و مراودات مالی فراوانی با امارات متحده عربی، آمریکا، بریتانیا، عربستان سعودی و برخی کشورهای دیگر دارند و همین مولفه‌ها باعث می‌شود حداقل برای حفظ این منافع، مخالف میل این کشورها عمل نکنند اما در مقابل عمران‌خان هیچ یک از این شاخصه‌ها را ندارد و از همین رو هیچ‌گاه مرعوب آمریکا، اروپا، عربستان و دیگر کشورهای منطقه به دلیل مسائل شخصی عمران‌شد. تمام این مصادیق کاملاً نشان می‌دهد پیروزی عمران‌خان و جنبش انصاف در این انتخابات بدرستی یک سنت‌شکنی در امور مختلف سیاسی، اجتماعی، مذهبی و… است.

■ **با این تفاسیر چه چالشی در برابر تشکیل دولت ائتلافی و آتی پاکستان وجود دارد؟**

بر اساس اعلام نهایی، جنبش انصاف و متحدانش ۱۸۱ کرسی در پارلمان پاکستان به دست آوردند که البته اکثریت قایل‌توجهی است و کار را برای ساخت دولت نسبتاً هموار می‌کند اما باید توجه داشت که بیشترین چالش پیش روی عمران‌خان برای دولت‌سازی نه گروه‌های اپوزیسیون

و مشکلات داخلی، بلکه موانع خارجی است. در لبنان که ماه‌ها از انتخابات در این کشور می‌گذرد یا عراق که همچنان اختلافات در آنجا ادامه دارد تاکنون شاهد تشکیل دولت نبوده‌ایم و نباید از این امر غافل ماند که اصلی‌ترین مانع در این ۲ کشور عناصر و مهره‌های سیاسی وابسته به عربستان و آمریکا هستند که به هیچ وجه خواستار ثبات سیاسی در کشورهای خود نبوده، نیستند و نخواهند بود، چرا که رؤسای آنها در واشنگتن و ریاض چنین خواسته‌ای ندارند. در پاکستان هم بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی تشکیل دولت همین عناصر خواهند بود که باید با برنامه‌ریزی دقیق مانع از اجرای خواسته‌ها و عملی شدن سناریوهای آنها شد.

البته نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که کمیسیون انتخاباتی که مسؤولیت برگزاری انتخابات را بر عهده داشت در اصل ساخته و پرداخته حزب مردم و مسلم لیگ (شاخه نواز) بود و از همین رو شاهد تأثیرات این کمیسیون در برگزاری و نتایج انتخابات بودیم که اگر این امر پیش نمی‌آمد شاهد پیروزی قاطع‌تر جنبش انصاف در انتخابات بودیم. کمیسیون انتخابات همچنین تحت فشارهای خارجی قرار داشت و آمریکا سعی می‌کرد با سوءاستفاده از مشکلات ای اقتصادی پاکستان خود را وارد انتخابات کرده و نتایج را آنطور که مایل است رقم بزند، لذا در عرصه تشکیل دولت و حتی روند برگزاری انتخابات، خط‌دهی خارجی‌ها دقیقاً مشخص است و باید ببینیم چه سناریوی جدیدی از سوی آنها عملیاتی خواهد شد.

■ **محمتم‌ترین ائتلاف برای تشکیل دولت کدام است؟**

ائتلاف برای تشکیل دولت عملاً شکل مختلف بویژه پنجاب و بلوچستان به ائتلاف جنبش انصاف پیوسته و در پارلمان این کشور در صف حامیان عمران‌خان قرار گرفتند. از میان احزاب سیاسی نیز حزب مسلم لیگ شاخه قائداعظم، جنبش متحده ملی (MQM)، احزاب سیاسی و قومیتی در ایالت‌های سند و بلوچستان و برخی احزاب کوچک در ائتلاف جنبش انصاف برای تشکیل دولت حضور پیدا کرده‌اند.

با احتساب تمام کرسی‌های جنبش انصاف و احزاب و نماینده‌های متحد با این حزب جهت حضور در ائتلاف، مجموعاً ۱۸۱ کرسی در پارلمان پاکستان، همسو با عمران‌خان و جنبش انصاف هستند که این امر باعث آسان‌تر شدن تشکیل دولت برای عمران‌خان خواهد شد.

■ **چه برنامه‌ای برای ائتلاف با جنبش انصاف و حضور در دولت دارید؟ آیا پیشنهادی از سوی این جنبش دریافت کرده‌اید؟**
اتحاد میسان مجلس وحدت مسلمین و جنبش انصاف یک اتحاد استراتژیک است که نه بر اساس سهم‌خواهی از قدرت، بلکه بر اساس دستیابی به اهداف و آرمان‌های سیاسی مشترک از جمله شکست و کوتاه شدن دست عربستان سعودی از پاکستان شکل گرفته است. ریاض به دنبال پیروزی «نواز شریف» و «مولانا فضل الرحمان» در انتخابات اخیر بود و برای حمایت از این ۲ فرد و بویژه برای حمایت از ائتلاف «مجلس متحده عمل» که با حضور برخی شخصیت‌های بنیادگرا و افراطی پاکستان

تشکیل شده بود امام مکه شخصاً وارد میدان شد و با سفرهایی که به پاکستان داشت تلویحاً و تصریحاً به حمایت از فضل الرحمان و «مجلس متحده عمل» پرداخت. پر واضح است که استفاده از یک شخصیت مذهبی جهت حمایت از یک کاندیدا، حزب یا ائتلاف مشخص در واقع پوششی برای دولت در پس پرده است که در صورت شکست مهره‌های مذکور، کاخ‌نشینان ریاض همچنان راه خود را برای ورود در دولت جدید هموار ببینند و در صورت پیروزی، انگشت اتهام دخالت در انتخابات را از سمت خود به سوی دیگری منحرف کنند. «مجلس وحدت مسلمین» با تکیه بر آرای بسیاری از دوستداران خود که عمدتاً از شیعیان پاکستان هستند در بسیاری از مناطق به حمایت از جنبش انصاف پرداخت که همین امر باعث پیروزی این حزب در اغلب این مناطق شد. اگر این حمایت‌ها نبود عمران‌خان در برابر ائتلاف تشکیل شده توسط فضل الرحمان در این مناطق که عمدتاً در غرب پنجاب، خیبرپختونخوا و بلوچستان هستند، شکست می‌خورد.

ما پیش‌تر اهداف خود را بویژه در مسائل سیاست خارجی به اطلاع عمران‌خان رسانده و موافقت وی را به دست آورده بودیم و از همین رو وارد ائتلاف و حمایت از وی شدیم. از مهم‌ترین خواسته‌های ما در سیاست خارجی، توسعه روابط و سطح همکاری‌ها با ایران، چین، ترکیه و روسیه است و در مقابل خواستار دور شدن پاکستان از ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی هستیم. البته بدیهی است که در متن دولت نیز نمایندگان مجلس وحدت مسلمین حضور خواهند داشت.

■ **تحلیل شما از حضور حزب تحریک اسلامی به رهبری حجت‌الاسلام ساجد نقوی به عنوان یک حزب شیعی در ائتلاف عمل و در کنار احزاب افراط‌گرای پاکستانی چیست؟**
این امر البته مایه تاسف فراوان است که یک حزب شیعی به رهبری یک روحانی شیعه اقدام به همپیمان شدن با احزاب و گروه‌هایی کند که برخی از آنها دست‌شان به خون شیعیان آلوده بوده و دیگر احزاب موجود در این ائتلاف نیز

دست رد به سینه تمام احزاب موجود در این ائتلاف زدند و تنها برخی از کرسی‌های سنتی این ائتلاف و احزاب موجود آن، در اختیار ائتلاف عمل باقی ماند. این ائتلاف و تمام احزاب موجود در آن، «نه» قدرتمند مردم پاکستان به خود را بخوبی شنیدند.

■ **آیا جناح‌های سیاسی افراطی پاکستان جایگاهی در ساختار قدرت کشور خواهند داشت؟ کدام‌یک از این جناح‌ها وارد مذاکره و ائتلاف با عمران‌خان شده است؟**

از میان احزابی که با عمران‌خان ائتلاف کردند تنها جنبش متحده ملی (MQM) به عنوان یک حزب افراط‌گرای سیاسی و نه مذهبی شناخته می‌شد که البته این حزب پس از تغییر دبیرکل سابق خود یعنی «لطاف حسین» شاهد دگرگونی ساختاری کلی شده و از شکل و شمایل سابق خود کاملاً خارج شده است. هیچ یک از افراد و احزابی که وارد ائتلاف با جنبش تحریک انصاف شده‌اند از افراد و احزاب افراط‌گرای سیاسی و مذهبی نیستند و اساساً عمران‌خان در مذاکرات انجام شده با مسؤولان مجلس وحدت مسلمین این

قول را داده بود که اجازه حضور به هیچ فرد یا حزب افراط‌گرا در ساختار دولت آتی پاکستان داده نخواهد شد. ■ بسیاری از منتقدان عمران‌خان می‌گویند از آنجایی که همسر سابق وی تبعه بریتانیا بوده، او نیز تحت تأثیر سیاست‌های لندن قرار دارد؛ این اظهارات تا چه اندازه صحیح است؟

در ابتدا باید روی همان نکته‌ای که در سوال مطرح شده، تأکید مجدد کرد و آن هم جدا شدن این ۲ نفر از یکدیگر است. نکته دیگر این است که عمران‌خان به معنای واقعی کلمه، یک شهروند پاکستانی است که نسبت به کشور خود دغدغه‌های زیادی دارد. از



هیچ‌گاه به هواخواهی شیعیان اقدامی نکرده و در مقابل ظلم و ستم‌هایی که به آنان شده اعتراضی نکرده‌اند.

اینکه امام مسجدالحرام به عنوان نماینده عربستان سعودی و «محمد بن سلمان» در پاکستان در جلسه مربوط به ائتلاف عمل حاضر می‌شود و از سوی دیگر نه‌تنها شاهد محکومیت این حضور از سوی حزب تحریک اسلامی نبوده، بلکه شاهد حضور نماینده این حزب در جلسه مذکور هستیم، همه و همه باعث تاسف است. امام کعبه به عنوان نماینده بن‌سلمان و حامی تجاوز عربستان سعودی به یمن در تک تک خون‌های ریخته شده یمنی‌ها و به خاک و خون کشیده شدن مردم این کشور شریک است. از این منظر اقدام حجت‌الاسلام نقوی و تحریک اسلامی در راستای مفاد و خواسته‌های ریاض ارزیابی می‌شود و قطعاً از همین‌رو است که شیعیان و اهل تسنن

طرح‌ریزی شود. نکته‌ای که در این میان باید به آن توجه کرد این است که همیشه پرسیدن این سوال که پاکستان چه برنامه‌ای برای توسعه روابط با ایران دارد درست نیست. یک بار هم اینگونه بیرسیم که ایران چه برنامه‌ای در این راستا دارد؟ ایران بیشتر به سوی اروپا گرایش دارد و تمایل تهران برای توسعه روابط با اسلام‌آباد آنچنان مشهود نیست. اتفاقاً کم‌توجهی ایران به پاکستان باعث تمایل بیشتر اسلام‌آباد در دوره‌های قبل به سوی آمریکا و عربستان سعودی شد. زمانی بود که نخست‌وزیران پاکستان در نخستین سفرهای خارجی خود عازم تهران می‌شدند ولی کم‌توجهی ۲ طرف به یکدیگر باعث دورتر و دورتر شدن این ۲ کشور از یکدیگر شده است. کم‌توجهی تهران به اسلام‌آباد از زمان دولت خاتمی آغاز شد و مسائل پیش آمده باعث کمرنگ شدن روابط و در نتیجه پدیدار شدن وضعیت موجود شده است که باید در اسرع وقت به شکل سابق خود بازگردد.

هنگامی که رهبری ایران از اهمیت کشورهای شرقی در سیاست خارجی و روابط جمهوری اسلامی سخن به میان می‌آورد به گونه‌ای خواستار کمتر شدن تمایلات به سوی اروپا و توجه به کشورهای شرقی هستند که بسیاری از نیازهای ایران را می‌توانند فراهم کنند. در نظر ایشان پاکستان یک کشور استراتژیک بوده و اهمیت توسعه روابط برای شخص ایشان کاملاً مشهود است.

۲ کشور باید ابزارها و راهبردهای مناسب برای توسعه روابط در زمینه‌های مختلف را فراهم آورد و از همین رو باید اتاق‌های مشترک در موضوعات مختلف اعم از اقتصادی، سیاسی، امنیتی و… تشکیل شود. زمانی که ۲ کشور با یکدیگر همسایه بوده و مرزهای زمینی و دریایی وسیع با هم دارند قاعدتاً باید سطح مبادلات تجاری میان ۲ کشور بسیار گسترده باشد و امیدواریم این مهم بزودی عملی شود و اگر این فرآیند آغاز شود بدون تردید نزدیک‌ی ۲ کشور باعث ناکامی دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در صدد دشمنی با اسلام‌آباد و تهران هستند، خواهد شد.

■ **کشورهایی نظیر چین، روسیه، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا چه جایگاهی در ساختار سیاست خارجی آتی پاکستان خواهند داشت؟**

نکته‌ای که باید به عنوان مقدمه در پاسخ به این سوال ذکر شود این است که حوادث پیش آمده در منطقه باعث ناامنی برای ایالات متحده آمریکا و شکست طرح‌های واشنگتن شده است. از مهم‌ترین پروژه‌های آمریکا که در منطقه با شکست مواجه شد طرح خاورمیانه بزرگ بود و شکست این دست پروژه‌های منفی ایالات متحده در قبال کشورهای منطقه باعث تحلیل رفتن قدرت و هژمونی این کشور در خاورمیانه و جنوب آسیا شده است. از سوی دیگر نیز چین و روسیه مخالف اقدامات آمریکا در منطقه هستند. سیاست این دولت درباره مسائل منطقه با رویکردهای چین، روسیه، ایران و ترکیه همخوانی بیشتری دارد و در آینده نزدیک

شاهد گسترش روابط میان اسلام‌آباد با یکن، مسکو، تهران و آنکارا خواهیم بود. همچنین درباره کشورهایمانند

یمن و سوریه که در منطقه دستخوش

ناامنی و جنگ شده‌اند، دولت پاکستان نه‌تنها در این جنگ شرکت نخواهد کرد، بلکه از تمام توان خود برای پایان یافتن ناامنی‌ها در منطقه استفاده می‌کند. اتحاد استراتژیک میان ایران و پاکستان می‌تواند بسر روابط ۲ کشور با دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار باشد، چرا که پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی، تجاری و امنیتی مهمی در این راستا وجود دارد که می‌توان به «سی‌پک» که یکی از این طرح‌ها به شمار می‌رود اشاره کرد. این همکاری‌ها باعث دورتر شدن پاکستان از آمریکا و عربستان خواهد شد و بدون تردید شرکای جدید در این بین پدیدار می‌شوند. برای انجام این مهم باید شخصیت‌های امنیتی و سیاسی پاکستان، ایران، روسیه و چین بر سر میز مذاکره نشستند و راه‌های توسعه همکاری‌های چند جانبه را مورد بحث و گفت‌وگو قرار دهند و پس از دستیابی به نتیجه مورد نظر نسبت به اجرای آن مبادرت ورزند.

■ **به عنوان آخرین سوال، رویکرد این دولت درباره صلح افغانستان و حضور گروه‌های تروریستی و افراطی همچون داعش، طالبان، شبکه حقانی، لشکر طیبه و… چه خواهد بود؟**
پیش از این ما شاهد حضور گسترده عناصر افراطی در عرصه قدرت و سیاست در پاکستان بودیم و حضور این افراد در مناصب و پست‌های حساس باعث فرآغ بسال این گروه‌ها و حتی در برخی موارد حمایت‌های پشت پرده از آنها می‌شد اما شرایط کنونی کاملاً متفاوت با آنچه در گذشته در جریان بود رقم خواهد خورد، چرا که سیاست‌های جدید به اقتضات و عناصر جدید نیاز دارد. لذا این امر باعث پیچیده شدن نسخه افراد افراطی حاضر در هرم قدرت خواهد شد. ایالات متحده آمریکا در بحران سوریه و تبدیل این کشور به پایگاه عناصر تکفیری و تروریستی شکست خورد و حال خواهان به آتش کشیدن پاکستان است. اگر پاکستان و همچنین کشورهای حاضر در منطقه خواستار امنیت هستند باید نسبت به نزدیک‌تر شدن به یکدیگر و توسعه روابط با هم اقدام کنند، چرا که این گزینه تنها راه کوتاه کردن دست کشورهای حامی تروریسم در منطقه است. این امر همان‌گونه که پیش از این عنوان شد نیاز شدید و وافر به همکاری نزدیک اطلاعاتی- امنیتی میان کشورهای پاکستان، ایران، روسیه و چین دارد که امید داریم بزودی این مولفه‌ها محقق شود.

■ **پیروزی عمران‌خان و جنبش تحریک**

انصاف در واقع نه‌شکست مسلم لیگ،

حزب مردم و… بلکه شکست این تفکر

و سیاست ناپاک ۴۰ ساله است. این

پدیده در واقع «نه» بزرگ به حضور

منفی ۴۰ ساله آمریکا و عربستان

در متن سیاست داخلی و خارجی

پاکستان است. از همین رو است که

می‌بینیم شخصیت‌هایی که از آنها به

عنوان سیاسی و مذهبی یاد می‌شود

و غالباً از حمایت عربستان سعودی و

ایالات متحده برخوردارند، همه علیه

عمران‌خان وارد یک ائتلاف شدند

سوی دیگر وقتی به سیاست‌های مدنظر عمران‌خان مانند جنگ یمن، توسعه روابط با ایران، چین و روسیه، اتحاد منطقه‌ای با این کشورها و از این دست اظهارات توجه می‌کنید، به وضوح مشخص می‌شود نه‌تنها سیاست‌های عمران‌خان همسو با سیاست‌های لندن نیست، بلکه در بسیاری از موارد تعارض‌های شدیدی با نگاه کشورهای غربی از جمله انگلیس در منطقه و در قبال پاکستان دارد. سیاست‌گذاری‌های وی به روشنی نشان می‌دهد این اظهارات در واقع صحبت‌ها و ادعاهای بدون دلیل بوده و بیشتر به اتهامات بی‌پایه و اساس شبیه است تا تحلیل

یا حتی انتقاد سازنده.

■ **سیاست عمران‌خان در قبال ایران چه خواهد بود؟**

عمران‌خان در مرحله نخست به دنبال متوازن‌سازی سیاست خارجی دولت آتی پاکستان است. تمرکز وی روی توسعه روابط با کشورهای همسایه بویژه ایران و همچنین تمایل در حفظ روابط کنونی است. رهبر جنبش انصاف در بحث توسعه روابط با ایران در پی نهایی‌سازی خط لوله صلح و انتقال گاز از ایران به پاکستان و همچنین توسعه روابط تجاری و امنیتی میان ۲ کشور است.

مهم‌ترین عملی که در عمران‌خان وجود دارد، نداشتن ترس از کشورهای همچون آمریکا و عربستان سعودی است که همین امر باعث خواهد شد سیاست خارجی در دولت وی مستقل و بدون در نظر گرفتن منافع دیگر کشورها